



ماجرای دیدار جنجالی چند روز پیش رؤسای جمهور اوکراین و آمریکا در کاخ سفید، به یکی از پُربحث‌ترین موضوعات سیاسی در دنیا تبدیل شده است، به طوری که کشورهای مختلفی از منظرهای گوناگون به این قضیهٔ نگاه کرده و آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهند. از آنجا که آمریکا به عنوان دشمن شماره یک جمهوری اسلامی مطرح است و رابطه‌ی ایران و آمریکا در طی چند دهه‌ی اخیر مورد توجه تئلیگران و افکار عمومی داخل کشور بوده، نگاه ایرانی به این ماجرا نه تنها خالی از لطف نیست، بلکه ضروری به نظر می‌رسد. البته قبل از آنکه وارد بررسی ماجرا شویم، ضروری اجمالی بر آنچه در کاخ سفید گذشت و پیش‌زمینه‌ها و تبعات آن در تحلیل قضیه نیز مفید به نظر می‌رسد.

■ **تحقیر مقابل دوربین‌ها**

روز جمعه دهم اسفندماه، زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، وارد کاخ سفید شد تا ضمن دیدار با ترامپ، دو طرف بر سر واگذاری مواذ معذنی کمیاپ اوکراین به آمریکا توافقنامه‌ای را امضا کنند؛ توافقی که به شکل انحصاری و ویژه، اجازه‌ی استفاده از معادن و مواذ معدنی بسیار ارزشمند اوکراین را به آمریکا می داد و صدها میلیارد دلار سود برای این کشور به همراه داشت. ترامپ، پیش از دیدار با زلنسکی، خطاب به خبرنگاران

چنین برخورد می‌کند، آیا گامی برای حل مشکلات ایران برمی دارد؟ رهبر انقلاب، حدود یک ماه پیش، درباره‌ی مذاکره با آمریکا و اثر آن بر حل مشکلات کشور فرمودند: «مذاکره با آمریکا هیچ تأثیری در رفع مشکلات کشور ندارد؛ این را باید ما درست بفهمیم. این جور به ما وانمود نکنند که اگر نتشستم پشت میز مذاکره با آن دولت، فلان مشکل یا فلان مشکل حل میشود؛ نخیر، از مذاکره با آمریکا هیچ مشکلی حل نمیشود. دلیل: تجربه.» (۱۴۳۸/۱/۱۹) غربگرایان و رسانه های معاند، مثل همیشه، این موضع‌گیری رهبری را مورد هجمه قرار دادند و طوری وانمود کردند که آمریکا آماده‌ی مذاکره و رفع تحریم‌ها است و این ایران است که از مذاکره سر باز می‌زند! درحالی که ماجرای دیدار کاخ سفید آشکارا نشان داد با چه آمریکایی مواجهیم و مقصود آمریکا از «مذاکره» چیست. آمریکا، در مذاکره و قرارداد با اوکراین، فقط به دنبال گرفتن امتیاز بود و از دادن تضمین امنیتی به این کشور خودداری کرد؛ این در حالی است که آمریکایی‌ها خود به خوبی می دانند آن‌ها بودند که با سیاست‌های توسعه طلبانه و ضدّ روسی خود، اوکراین را قربانی و درگیر چنین جنگ مهلکی کردند. در مذاکره با ایران نیز وضعیت قطعاً بدتر از این خواهد بود؛ آمریکایی‌ها امتیازات نقد می‌خواهند و در بهترین حالت، در برابر آن، مشتی وعده‌ی نسبی خواهند داد؛ یعنی همان اتفاقی که در برجام رخ داد و عاقبت آن را دیدیم.

■ **عاقبت آتّاکا به بیگانه**

عبرت دیگران ما چرا آن است که عاقبت آتّاکا به بیگانه در هر میدان، در نهایت، چیزی جز تحقیر و متضرر شدن نیست. آمریکایی‌ها رسماً و علناً به زلنسکی گفتند بدون حمایت ما کشور تو دو هفته نیز دوام نمی آورد. ایران نیز، در تاریخ معاصر خود، چنین وضعیّت سخت و تحقیرآمیزی را تجربه کرده است. در جریان جنگ جهانی دوم و هجوم متفقین به ایران، ارتش ایران تقریباً هیچ مقاومتی از خود نشان نداد و حکومت وابسته‌ی رضاخان، پس از سه روز، اعلام تسلیم کرد و آن همه ادعا و تجمل، در چشم برهم‌زدنی از هم فرو پاشید.

سه سال پیش، در همین روزها، رهبر انقلاب در این مورد فرموده بودند: «پشتیبانی قدرتهای غربی از کشورها و دولتهایی که دست‌نشانده‌ی آنها هستند، یک سراب است، واقعیت ندارد؛ این را همه‌ی دولتها بدانند. آن دولتهایی که پشت‌گرمی شان به آمریکا و به اروپا است، سه سال پیش، در همین روزها، رهبر انقلاب در این مورد رئیس جمهور اوکراین همین چند روز پیش گفت، هم رئیس جمهور فراری افغانستان چندی قبل گفت؛ گفت ما اعتماد کردیم به آمریکا، اعتماد کردیم به دولتهای غربی، [ولی] ما را تنها گذاشتند. به اینها نمیشود اعتماد کرد... آن کسانی که متکی به آمریکا هستند، از این

عبرت درس بگیرند و این را بفهمند. (۱۴۰۰/۱۲/۱۰)

اگرچه غربی‌ها در این چند سال سعی کرده‌اند با تبلیغات و هیاهو از زلنسکی قهرمان بسازند، اما در واقعیت، او کشور خود را به کشوری وابسته تبدیل کرد که حتی برای استفاده از تجهیزات و تسلیحاتی که در این جنگ در اختیارش گذاشته اند نیز مجبور به گرفتن مجوّز از دیگران است و عملاً از خود هیچ اختیاری ندارد و اکنون نیز به هر دری می‌زند تا بار دیگر به کاخ سفید برگردد و با همتای آمریکایی خود تجدید دیدا کند.» (برای یک ملت، خنتی بالاتر از وابستگی نیست. در حق یک ملت از سوی مسئولان، جنایتی سنگین‌تر از وابسته کردن آن ملت نیست. (۱۳۷۵/۱/۲۸)

■ **مردم؛ پایه‌ی قدرت**

درس دیگر ماجرای اوکراین لزوم آتّاکا به مردم است. کشوری که در مقاطع حساس و خطرناک پشتیبانی واقعی و گسترده‌ی مردمی برخوردار نباشد، به ناچار مجبور است در مقابل بیگانگان سر خم کند و آن گونه تحقیر شود. وقتی که رژیم صدام در پایان شهریور سال ۱۳۵۹ به ایران یورش برد و جنگ را رسماً آغاز کرد، تصوّر همگان براین بود که ایسن جنگ، در نهایت، چند هفته طول می‌کشد و با پیروزی مهاجم به پایان می‌رسد. این تصوّر، روی کاغذ چندان هم دور از واقعیت نبود؛ رژیم صدام در اوج آمادگی و حمای همه جانبه‌ی مالی و تسلیحاتی دهه‌ها کشور دنیا بود و در مقابل، ایران که به تازگی انقلاب کرده بود، در وضعیتی شکننده و خاص به سر می‌برد. عاملی که این عدالت‌خوا را برابر با هم زد و باعث ناکامی متجاوز و حامیان جهانی آن شد، پشتیبانی مردمی بود. مردم با حضور در آزارانه و داوطلبانه‌ی خود در دفاع از کشور، نتیجه‌ی محتوم جنگ را تغییر دادند و اجازه ندادند حتی یک وجب از خاک ایران اشغال شود؛ موضوعی که رهبر انقلاب نیز در ابتدای جنگ روسیه و اوکراین به

آن اشاره کردند: «مردم، مهم ترین پشتوانه‌ی دولتی هستند. اگر مردم در اوکراین وارد میدان میشدند، وضع دولت اوکراین و مردم اوکراین این جور نمیشد. مردم وارد میدان نبودند، چون دولت را قبول نداشتند؛ عیناً مثل آن وقتی که آمریکا به عراق دوران صدام حمله کرد، مردم دفاع نکردند، کنار رفتند، آمریکا مسلط شد. اما در همین عراق، وقتی که داعش حمله کرد، مردم وارد میدان شدند، توانستند داعش را که خطر بسیار بزرگی بود به عقب برانند، توانستند سرکوب بکنند. عامل اصلی استقلال کشورها مردمند؛ ما این را تجربه کردیم؛ در دوران دفاع مقدّس، مردم وارد میدان شدند و با اینکه همه‌ی قدرتها از صدام حمایت میکردند، به او کمک میکردند، جمهوری اسلامی به کمک مردم توانست غلبه پیدا کند و دشمن را ناکام بگذارد. بنابراین، این هم عبرت دیگری است. امیدواریم که همه‌ی ما چشمه‌ایمان را باز کنیم، گوشه‌ایمان را باز کنیم، درست بیندیشیم، درست فکر کنیم، درست عمل بکنیم و بتوانیم از این عبرتهای بزرگ بهره ببریم. (۱۴۰۰/۱۲/۱۰)

■ **استکبار فقط به فکر منافع خود است**

درس مهمّ دیگر ماجرای اخیر میان آمریکا و اوکراین روشن شدن ماهیت استکبار است. آمریکایی‌ها به‌صراحت از غارت ثروت مّلی اوکراین می‌گویند و آن را حقّ خود می‌دانند! شاید برخی آذعانند این رویه و برخورد، مختّم دولت ترامپ است و او در این زمینه یک استثنا محسوب می‌شود؛ در پاسخ، باید گفت آنچه ترامپ آشکارا و مقابل دوربین رسانه‌ها می‌گوید، واقعیتی است که تا پیش از این، پشت درهای بسته در جریان بود و از این منظر، اتّفاق جدیدی رخ نداده است. نکته‌ی دیگر آنکه ترامپ یک استثنا در آمریکا نیست و فرهنگ استکباری و استعماری در این کشور و جامعه جافاده است؛ گمانیکه اکثریّت آمریکایی‌ها از برخورد تحقیرآمیز و با زلنسکی اعلام حمایت کردند. اگر کسی تصوّر کند کمک‌های دولت بایدن به اوکراین بدون چشمداشت بوده و با روی کار آمدن ترامپ سیاست آمریکا تغییر کرده، سخت در اشتباه است؛ آنچه تغییر کرده بازنامی ماجرا است. آمریکای بایدن خود را کدخدای جهان می‌دانست که اوکرائنی‌ها باید به نیابت از آن‌ها با روسیه بجنگند و در این راه قربانی شوند تا راهبردهای استراتژیک واشنگتن محقق شود و آمریکای ترامپ، کدخدایی است که فعلاً مصلحت را در غارت ثروت مّلی اوکراین می‌بیند و در این مسیر، حاضر نیست حتی امنیّت این کشور را هم تضمین کند! وقتی سخن از «استکبار» و «استعمار» می‌شود، موضوعی انتراعی و ناشی از توکم نیست. وضعیت آشف‌بار و نامعلوم امروز اوکراین که بخشی از آن از دست رفته و آنچه مانده نیز باید به آمریکا اعطا شود، مثال عینی و بارز خوی استکباری و استعماری حاکم بر آمریکا است.

■ **قوی باش!**

و بالاخره عبرت و درس مهم و نهایی آنکه ماجرای اوکراین نشان می‌دهد این همه تأکید رهبر انقلاب بر لزوم قوی شدن کشور در تمام عرصه‌ها، ناشی از واقعتهای صحنه‌ی جهانی است. کشوری که ضعیف باشد فقط از دُور قایت‌های جهانی عقب نمی‌افتد، بلکه با مخاطرات زیادی نیز روبه‌رو می‌شود و بهیای سنگینی نیز خواهد پرداخت. تحقیر شدن، مورد تهدید و هجمه قرار گرفتن، وابستگی سرنوشت کشور به این و آن و تصمیمات دیگران، و از دست دادن ثروت‌های مّلی، از جمله‌ی تبعات ضعیف بودن است.

بر همین اساس، رهبر انقلاب تأکید دارند: «اگر این استحکام وجود داشته باشد، "قدرت مّلی" و "قوّت مّلی" تحقق پیدا خواهد کرد؛ قدرت مّلی و قوّت مّلی. و قدرت مّلی برای یک ملت حیاتی است؛ یعنی یک ملت اگر چنانچه بخواهد مستقل باشد، سرفراز باشد، از منابع حیاتی خودش به میل خودش و به سود خودش استفاده کند، رأی خودش را در مسائل اساسی خودش به کار ببندد و مجبور به پیروی از رأی این و آن نباشد، نگران طمع‌ورزی بیگانگان نباشد، همیشه در ترس ورلز زندگی نکند، اگر ایسن چیزها را یک ملت نخواهد، باید چه کار کند؟ باید قوی باشد.

قدرت مّلی و قوّت مّلی حیاتی است برای یک ملت. اگر چنانچه قدرت مّلی نبود و مّلتی قوی نبود، این چیزهایی که عرض کردیم که اینها اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل یک ملت است، برایش تحقیر پیدا خواهد کرد؛ همیشه نگار، همیشه در حال ضعف و ذلّت، بیگانگان مسلط [بر او] و امثال اینها. خب پس بنابراین، استحکام نظام لازم است؛ قدرت مّلی و قوّت مّلی لازم است. (۱۴۰۰/۱۲/۱۹)

ذره بین



تفسیر

عَاشِقُكُمْ اِنْ تُقَدِّمُوا مِیْنِیْ نَحْوُكُمْ ضَعِیْبٌ فَاِذْ لَعَلُّوْا وَ تَابَ اللّٰهُ عَلَیْكُمْ فَاَقْبِلُوْهُمُ الْخُلُوَّةَ وَ ءَاثُوْا الرَّكَّةَ وَ اطِیْعُوْا اللّٰهَ وَرِسُوْلهٖ وَ اللّٰهُ خَبِیْرٌ یَّمْتَحِلُوْنَ | سورة مجادلة، آیه ۱۳

ارزش انسان در نزدیکی با خداوند است نه صاحبان مقام و قدرت

گاهی میشود که اخلاق طاغوتی و سنن طاغوتی و سنن جاهلی در جامعه میماند... خیال میکنند برای اینکه برای خودشان شخصیتی درست کنند، فوری یک آدمی را که در جامعه شخصیتی مثلاً دارد، یک اسم ورسمی دارد، یک عنوانی دارد، این را پیدا کنند و درگوشش حرف بزنند، با او جلوی جمعیت نجوا کنند، با او با خصوصیت بیشتری در جمع صحبت بکنند، اینها برای چیست؟ برای اینکه خودش را در نظر دیگران و جبهه بدهد. خب این عمل یک عمل جاهلی است، وجهه‌ی انسان به قرب و بُعد با صاحب مقامان نیست؛ و وجهه‌ی واقعی انسان به قرب و بُعد با کیست؟ با خدا است. ● ۱۳۶۱/۳/۲۱ | بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه تفسیر سوره مجادله

آخرین خبر

■ **قرآن متضمن چگونگی رفتار با قدرت مداران عالم است**

حضرت آیت الله خامنه‌ای در محفل انس با قرآن در اولین روز از ماه مبارک رمضان ۱۴۴۶، قرآن را در عرصه ارتباطات با دیگر کشورها راهنمایی گویا و دقیق برای همه خواندند و افزودند: ملت ایران با دیگر ملت‌ها مشکلی ندارد اما امروز با جبهه وسیعی از قدرت مداران کافری با منافع مواجه است که قرآن کریم نحوه رفتار با آنها را در مراحل مختلف مشخص کرده است که چه زمانی باید با آنها حرف بزنیم در چه مرحله‌ای همکاری کنیم، چه هنگام با مشّت به دهان آنها بگوییم و چه وقتی نمشیر بکشیم.

■ **کلام امام، نقشه راه انقلاب**



نشریه خط حزب الله هر هفته در سه قطع (۸۳) ۸۴، و نسخه تابلوآعلانات منتشر می شود. شما می توانید با نصب نسخه تابلوآعلانات در مساجد، هیئات، یا پگاه های بسیج، مراکز فرهنگی، توزیع در نمازهای جمعه و باز نشر در فضای مجازی در انتشار معارف انقلاب اسلامی، ایفای نقش داشته باشید. ● دریافت از طریق رمزینه



دانشان آمریکا، یک «جامعه انحطاط زده» | انتشارات سوره | توسعه، ریس دوات ۳۳۳

۳۳۳



فرازی از وصیت نامه سردار شهید «نادر مهدوی»

آمریکارادشمن واقعی خود میدانیم

امروز، دشمنان قسم خورده ما، فرزندان «معاویه بن ابی سفیان» و عمرواص‌ها، به طور مصمم، عزم نابودی قرآن کریم دارند و راه «یزید بن معاویه» را دنبال می‌کنند. امروز دشمن ما صدام نیست؛ امروز دشمن ما حزب بعث نیست؛ این‌ها عروسک‌های کوکی استکبارند و ما دشمن واقعی خود را استکبار جهانیست؛ به سرکردگی آمریکا می‌دانیم، شرق و غرب، گذشته از اختلافات درونی خود، متحدانه موضعی خصمانه در برابر اسلام گرفته‌اند. بدانید که امروز، شرافت و عزت، در سایه جهاد و ایثار و شمشیر است. بکشید دشمنان اسلام و دین خدا را؛ تا فکر تجاوز و غارت را در سر نرورانند.